

حسن صافی اصفهانی

ایشان انس عجیبی به ذکر حضرت حق داشت و عمل به شرع و توسل به ائمه اطهار (ع) را بهترین وسیله قرب به خدا می دانست ...



ولادت: حدود 1338ق

محل ولادت: اصفهان

وفات: حدود 1416ق

محل دفن: اصفهان

محل تحصیل: اصفهان، قم، نجف

اساتید: حضرات سید ابوالقاسم خویی، امام خمینی، سید شهاب الدین مرعشی نجفی، سید احمد خوانساری و...

استاد عرفان: سید جمال الدین گلپایگانی

تالیفات: تقریرات بحث اصول و مکاسب سید ابوالقاسم خویی

ایشان انس عجیبی به ذکر حضرت حق داشت و عمل به شرع و توسل به ائمه اطهار (ع) را بهترین وسیله قرب به خدا می دانست وقتی در ایام نوجوانی تصمیم گرفت که وارد حوزه علمیه شود با مخالفت شدید پدر و مادرش مواجه شد و تمام اقوام و خویشان با او متارکه کردند. هیچ شهریه و مستمری برای گذراندن زندگی به او نمی رسید. اما او با عزمی راسخ در مدرسه نوریه اصفهان مسکن گرفت. پنجشنبه ها و جمعه ها بیرون از شهر مشغول کار می شد و با پول به دست آمده نان می خرید و تا یک هفته خوراکش فقط نان و آب بود. خود می فرمود: گاهی که خدای متعال مقداری سرکه برای من می رساند، کمی آب به آن اضافه کرده با نان می خوردم و این غذای شاهانه من بود. تنها چیزی که او را رنج می داد نارضایتی پدر و مادرش بود. شب های بسیاری تا صبح به دعا و ختم و نماز می گذراند و از خداوند رضایت آنها را می طلبید. شبی در حین مناجات و توسل در عالم رویا دید که آسمان پر از ملائکه است و شنید که منادی بلند تکرار می کرد: زیارت عاشورا! و فرشتگان نیز یک صدا با هم زیارت عاشورا می خواندند. از خواب برخاست و نیت کرد برای جلب رضایت پدرش تا چهل روز زیارت عاشورا بخواند. خود ایشان نقل می کرد: هر روز منتظر نتیجه بودم روز سی و نهم کسی را سراغ پدرم فرستادم اما نه تنها اوضاع فرقی نکرده بود بلکه پدرم گفت: اگر از طلبگی دست برداری تو را عاق می کنم! شب چهلم خواب دیدم همان منادی که شب اول می گفت زیارت عاشورا را همان آهنگ این آیه را برایم تلاوت کرد یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین اوتوا العلم درجات بعد باران می بارد! و همان منادی شروع به تلاوت سوره نصر کرد. از خواب بیدار شدم و دیدم ناگهان صدای پدرم را از پشت در حجره شنیدم که داشت سوره نصر را می خواند و به طرف حجره می آمد! توی درگاه حجره ایستاد و با مهربانی مرا نگرست بعد مرا در آغوش گرفت، گریه می کرد و می گفت حسنم مرا ببخش! این فقیه فرزانه بسیار کتوم و کم گفتار بود و با بزرگان اهل معرفت همچون سید حداد و آیت الله کشمیری مراوده داشت. پس از 28 سال اقامت در نجف به اصفهان آمد و در همان جا وفات یافت.